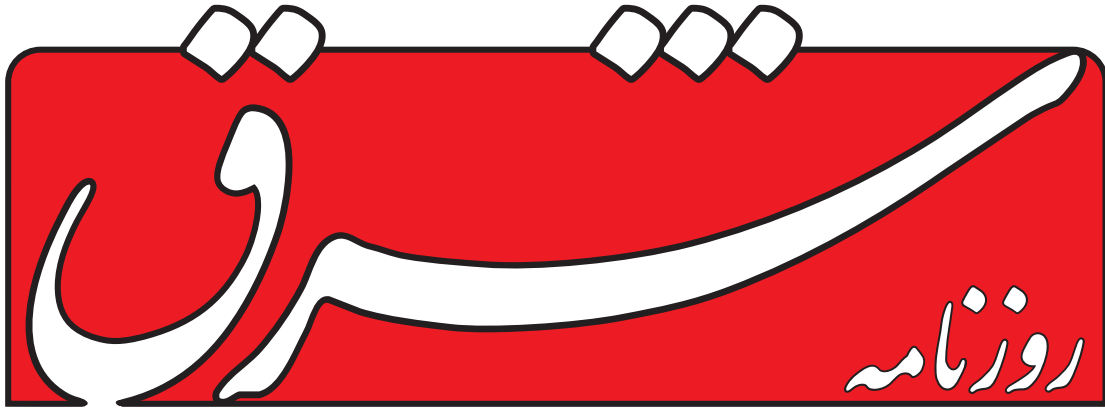


ناترازی برق و گاز به برخی کسب و کارها خسارت‌هایی وارد کرده است

مشاغل گرفتار انرژی

شرق: ناترازی انرژی زیان سنگینی به مشاغل ایران وارد کرده است. مشاغلی که همچنان گرفتار اختلال اینترنت و خسارات ناشی از آن هستند، این بار دچار کسری انرژی شده‌اند. با این حال، کارشناسان می‌گویند کسری انرژی در ایران هشداردهنده است و چنان‌که برای آن چاره‌ای اندیشیده نشود، می‌تواند سرآغاز بحران انرژی در کشور باشد.

صفحه ۴



سه‌شنبه ۲۷ دی ۱۴۰۱ • ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۴ • ۱۷ ژانویه ۲۰۲۲ • سال بیستم • شماره ۴۴۷۳ • ۱۲ صفحه • ۱۰۰۰ تومان



بیش از ۷۰ درصد از مددجویان زن از تسهیلات و ارفاقات قانونی بهره‌مند شدند

عیدانه قاضی القضاة به زنان زندانی

به مناسبت روز زن و مادر، با دستور رئیس دستگاه قضا و با اقدامات صورت‌گرفته، تعداد زیادی از زندانیان، به‌ویژه مددجویان زن توانستند از تسهیلات و ارفاقات قانونی طبق رعایت مقررات و قوانین، بهره‌مند شوند. آزادی، مرخصی، استفاده از پابند الکترونیک، تعلیق مجازات، اهدای سبدهای حمایتی، تخفیف در قرار تأمین...

صفحه ۲

در «شرق» امروز می‌خوانید: «شرق» از برنامه تقابلی نشست پارلمان اروپا و طرح ضدایرانی آن گزارش می‌دهد، استعفای دختر دهه‌هشتادی عضو شورای شهر تهران از مسئول دفتری مادرش و یادداشت‌هایی از قادر باستانی، حامد خانجانی

نگاهی به یک گزارش از مرکز پژوهش‌های مجلس درباره ترک تحصیل و بازماندگی از تحصیل در ۸ سال گذشته

غم مدرسه

تعداد کل افراد بازمانده از تحصیل در سال تحصیلی ۹۴-۹۵ برابر با ۷۷۷ هزار و ۸۶۲ نفر است که در سال تحصیلی ۱۴۰۰-۱۴۰۱ با ۲۶ درصد رشد به ۹۱۱ هزار و ۲۷۲ نفر افزایش یافته است

گزارش تیریک را در صفحه ۸ بخوانید



گفت‌وگو با سیدعلی میرفتاح به بهانه نمایشگاه نقاشی هایش در آرت‌بیش

سلوک کرگدن

نمایندگان مجلس در گفت‌وگو با «شرق» مطرح کردند

مسیر اقتصادی نیاز به اصلاح دارد

ترمیم کابینه شاید وقتی دیگر!

۲

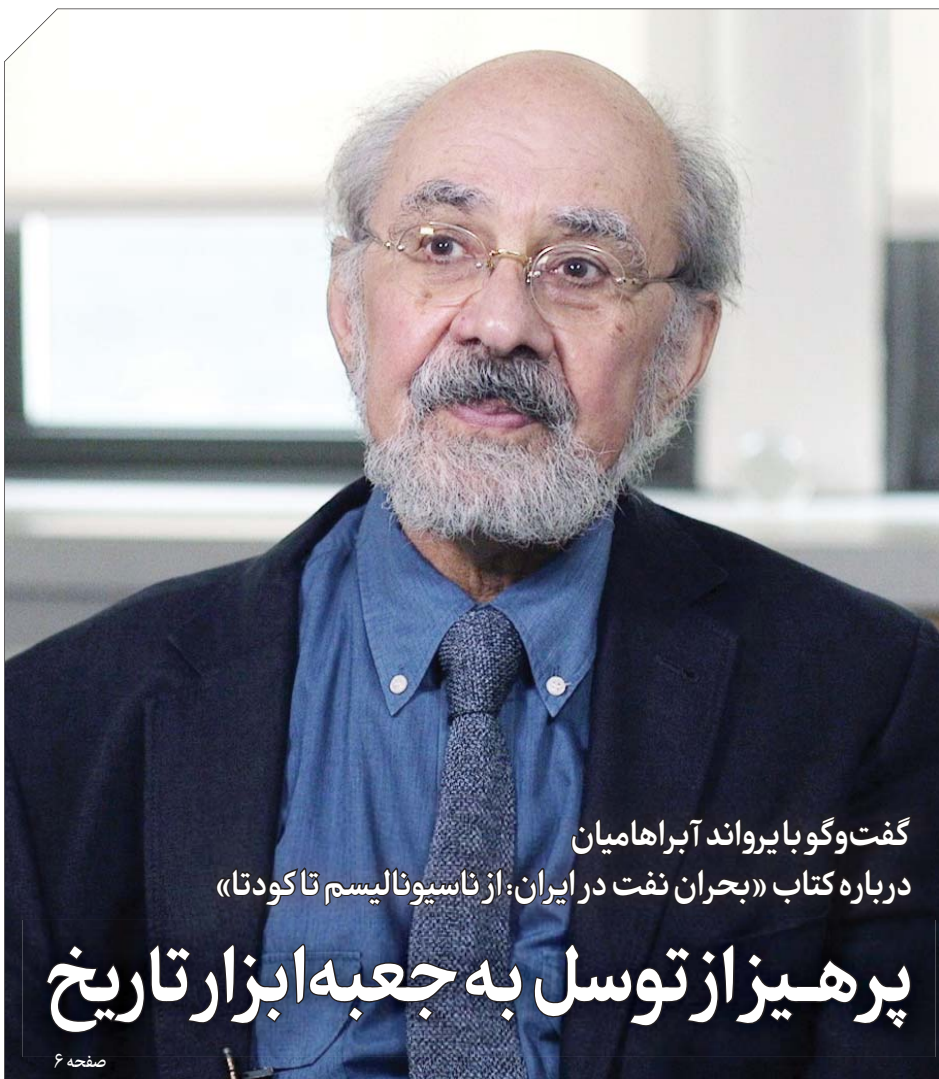
آینده داوطلبان در گرو بازار سؤالات

۱۰

نکته‌ای که در بیانیه فدراسیون کشتی مغفول ماند

کدام «سویه» کرونا؟

۹



گفت‌وگو با پرواندا آبراهامیان

درباره کتاب «بحران نفت در ایران: از ناسیونالیسم تا کودتا»

پرهیز از توسل به جعبه ابزار تاریخ

صفحه ۶

سرمقاله

باز هم درباره تئوری توطئه



کوروش احمدی

برخی مخالفت‌ها در داخل با امضای یک پیمان پاندمی جهانی بار دیگر یادآور مشکل همیشگی جامعه ما و جوامع مشابه با پدیده‌های است که «تئوری توطئه» خوانده می‌شود. این پیمان که در حال مذاکره در سازمان بهداشت جهانی است، بر مبنای تجربه حاصل از پاندمی‌های جهانی، به‌ویژه پاندمی کرونا، استوار است و هدف آن همکاری و هماهنگی حداکثری کشورها برای پیشگیری و مقابله با شیوع پاندمی‌های مشابه در آینده است. مخالفان بار دیگر از «شیاطین جهانی»، «ساخت بیماری برای فروش واکسن»، «کشتار مردم برای کاهش جمعیت جهان» و مانند آن سخن می‌گویند. پیش از آن و در اوج کرونا شاهد نمونه‌های دیگری از این پدیده بودیم که موجب مرگ‌های قابل اجتناب زیادی شدند. تئوری توطئه به‌طور ساده یعنی باور به اینکه دست‌هایی نامرئی، اما قدرتمند با نیت شیطانی از پشت صحنه سرخ وقایع و ایجاد وضعیت‌ها را در دست دارند. عناصر اصلی که یک تئوری توطئه را شکل می‌دهند، عبارت‌اند از اینکه دنیا عرصه نزاع دائمی بین خیر و شر است و جبهه شر دائم مشغول پروردن «یک توطئه مخفی» برای قربانی و سیر بلاگردن مردم است؛ و اینکه همیشه ظاهراً «شواهدی» وجود دارد که گویای وجود توطئه است؛ و اینکه هیچ اتفاقی به خودی خود و در نتیجه کارکرد طبیعی عوامل عینی و ذهنی درونی جوامع رخ نمی‌دهد و تصادف و هم‌زمانی اتفاقی وقایع و پدیده‌ها ممکن نیست؛ و اینکه صورت‌ظاهر امور گول‌زننده است و همه امور به نحوی به هم مربوط‌اند. سؤال مهم این است که چرا تئوری‌های توطئه شکل می‌گیرند و انتشار می‌یابند. شرایط فرهنگی و سیاسی حاکم بر جوامع، نبود دانش کافی و بی‌اطلاعی از سیر امور پیچیده، امتناع از تفکر در مورد ماهیت پدیده‌ها و علل وقایع، بی‌ثباتی سیاسی و اجتماعی، غلبه کلیشه‌ها، ترس‌ها، پیش‌داوری‌ها، زودباوری‌ها، ساده‌اندیشی‌ها، وجود برخی باورها و ارزش‌های منفی و زبان‌آور، محوریت ذهنیت‌های ساده‌اندیش و بدوی در تصمیم‌گیری‌ها، ناتوانی در توضیح واقع‌بینانه پدیده‌ها و وضعیت‌ها از یک سو و میل وافر به ارائه توضیحی برای وقایع و ایجاد احساس کاذب عاملیت و کنترل بر امور از سوی دیگر زمینه‌ساز اصلی شکل‌گیری تئوری توطئه است. تجربیات تاریخی در برخی جوامع که حکایت از سابقه نقش‌آفرینی مدلی خاص از مدیریت داخلی و قدرت‌های خارجی دارد نیز بی‌تأثیر نیست. قربانی تصورکردن خود و جامعه خود و نیاز به سرزنش دیگران نیز از دیگر دلایل مهم توطئه‌باوری است. سؤال درباره اینکه چه کسانی از اتفاقی که افتاده، سود می‌برند و معرفی آنها به عنوان عوامل توطئه، معمولاً نقطه شروع یک تئوری توطئه است؛ مانند سازندگان واکسن در جریان یک بیماری یا سازندگان سلاح در جریان یک جنگ و مانند آن. بحران و غلیان در جوامع می‌تواند موجب افزایش میل به ایجاد و انتشار تئوری‌های توطئه شود. یک تئوری توطئه می‌تواند به تناسب وضعیت جوامع و دانش افراد به سرعت انتشار یابد. فضای مجازی بدون کنترل‌های سردبیری عرصه مناسبی برای انتشار تئوری‌های توطئه فراهم کرده است. فرد یا جامعه‌ای که دچار توهم توطئه است، خود را مرکز جهان تصور می‌کند و بر آن است که همه در بازی قدرت جهانی شبانه‌روز کاری جز توطئه علیه او ندارند. رد این تئوری‌ها نیز دشوار است؛ چراکه اولاً توطئه‌پندار هیچ‌وقت کم نمی‌آورد و ثانیاً شخص مخالف در خطر منهجم‌شدن به همدستی با توطئه‌گران قرار می‌گیرد. در این میان، علاوه بر افراد کم‌اطلاع که به علت ناتوانی در راستی‌آزمایی خبرها و شواهد و رجوع به منابع علمی و آکادمیک تئوری‌های توطئه را باور و به نشر آن کمک می‌کنند، کسانی نیز هستند که در اشاعه این تئوری‌ها منافع سیاسی یا مادی دارند. توطئه‌باوری همچنین می‌تواند خطرناک نیز باشد، چراکه معمولاً مستلزم معرفی یک دشمن در داخل یا خارج است؛ می‌تواند جامعه را دو قطبی کند و می‌تواند موجب دور باطل نفرت و خشونت، اقدامات افراطی، تبعیض، بی‌اعتمادی به نهادها و محرومیت جامعه از برخی منافع و خدمات مثل واکسن شود. در نتیجه، این جوامع به جای ایستادن روی دو پا روی سسر می‌ایستند و به همین دلیل همیشه بی‌ثبات و دچار تزلزل‌اند که به نوبه خود موجب ترس دائمی می‌شود و ترس به خشونت دامن می‌زند. البته توهم توطئه به معنی نبود توطئه‌های واقعی نیست. طبعاً قتل، زدن بانک، اختلاس، کودتا (مانند کودتای ۲۸ مرداد) و مانند آن مستلزم یک توطئه پیشینی است. اما این توطئه‌ها از نوعی است که در حین یا پس از کشف آنها با مجموعه‌ای از اسناد و شواهد عینی و مستند و غیرقابل انکار قابل اثبات هستند. همان‌طور که کودتای ۲۸ مرداد توسط انبوهی از اسناد و شواهد حین شکل‌گیری آن طی بیش از دو سال و نیز اسناد بی‌شمار طی سال‌ها بعد، از جمله اسناد از طبقه‌بندی خارج شده انگلیس و آمریکا، بعینه قابل اثبات است. و اما مهم‌ترین و اساسی‌ترین مشکل تئوری توطئه سه چیز است: ۱- هیچ‌کاره نگذاشتن فرد و جامعه خودی و ربط‌دادن وقایع و مشکلات به دست‌های بی‌گناه. ۲- امتناع از تفکر عقلانی و خودداری از تلاش برای شناخت سازوکار و منطق واقعی امور و نقش خودی‌ها در سوء جریان‌ها و ۳- نهارت‌نهادن‌شدن مسئولیت‌گریزی در فرد و جامعه. به این معنی که اگر دست‌های بی‌گناه و قدرت‌های بیرونی مسئول هستند، چرا باید در کردها و نکردهای تاریخی خود بازبینی کنیم، بنیادهای ذهنی خود را بتکانیم، ساختارهای سیاسی خود را بازسازی کنیم، در روش‌ها و کارکرد نهادها بازنگری کنیم و در بی‌اصلاح امور باشیم؟ و چرا نباید همچنان از تفکر عقلانی درباره مشکلات و نقد و نقادی در مورد عملکرد خود معاف باشیم و کار را همچنان بر بستر فرهنگ و سنت‌های غیر قابل دفاع چند صد و چند هزار ساله خود ادامه دهیم؟

یادداشت

بانان مردم بازی نکنیم!



حسین حسنگو
کارشناس اقتصادی

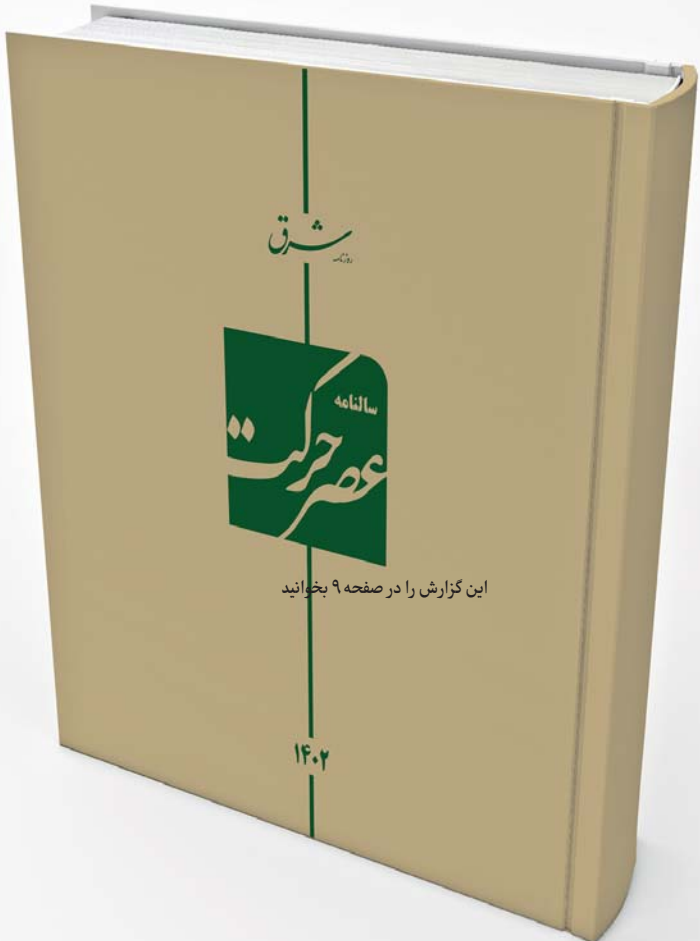
در روزهایی که همه هوش و حواس‌ها در اقتصاد حول و حوش لایحه بودجه و برنامه هفتم و... می‌چرخد و تحلیل‌های کارشناسانه از نوسانات قیمت ارز و شاخص‌های بورس و... ناگهان... تا آدم به چشم خود بر صفحه تلویزیون نبیند، باور نمی‌کند. باور نمی‌کند سه دهه پس از فروریختن دیوار برلین و سقوط کمونیسم به‌عنوان عالی‌ترین شکل نظام اقتصاد متمرکز، در دورانی که جز یک کشور، کره شمالی، هیچ کشوری نیست که با آن الگو در حال اداره اقتصادی یک جامعه باشد («اداره» البته لفظ صحیحی نیست، مگر آنکه مرگ سالانه هزاران هزار کودک گریه از گرسنگی و کمبود مواد غذایی و بهداشتی و... را «اداره» کردن آن کشور بدانیم)، مقام مسئولی بر صفحه تلویزیون ایران ظاهر شود و با نمودارها و جداول بزرگی که به دیوار آویخته و چوبی که به دست دارد، مانند فرماندهی در جنگ، اشراف خود را بر میدان نبرد به رخ بکشد که: فلان نانوايي امروز چند نان فرخته و چند آرد تحویل گرفته و... و در ادامه هم البته برای آنکه مخاطب بر عمق تدبیر و اقتدار و نظارت دولت ایمان آورد، با دوربین و خبرنگار صداوسیما راهی میدان جنگ یعنی همان دکان نانوايي نگون‌بخت شود که «پدر جان ساعتی چند نان می‌پزی و چرا این رقم را ثبت کرده‌ای و... خوب این بار به شما تذکر داده می‌شود و...».

باورکردنی نیست که یک مقام مهم دولتی، در حد مشاور وزیر اجرای چنین نمایشی را سبب بهبودی وضعیت نان در کشور بداند. مقام مسئول دولتی که با یک نگاه سردستی با ابرچالش‌های تورم و بی‌کاری و بحران منابع (گاز و برق و آب و...)، بحران نظام بانکسی و نظام بانکی و فقر گسترده و شکاف‌های طبقاتی و ناآرامی صناع و بحران‌های محیط زیست و... مواجه است؛ اما در حال تعقیب‌وگریز نانوايي است که چند قرص نان بیشتر در سامانه دولتی ثبت کرده است!

لا‌ب‌دی می‌فرمایند که قطره‌قطره جمع گردد وانگهی دریا شود و همین نانوا‌های متخلف‌اند که با احتکار و کم‌فروشی و آزادفروشی و... ۵۰ میلیون قرص نان لوش را از چشم تیزبین ناظران و نرم‌افزار و سخت‌افزارهای دولتی کم‌و‌کوگر کرده و به شعبده‌های غیب کرده‌اند (بنج هزار تن آرد در نانوايي‌ها کم می‌شود که معادل ۵۰ میلیون عدد نان لوش است، مشاور وزیر اقتصاد). شعبده‌باز بزرگ، البته ناگام، مسئولان دولتی هستند؛ مسئولانی که به جای بدیهیات علم اقتصاد و سازوکار «قیمت»‌ها تصور می‌کنند با انواع تردستی‌های مدرن و سامانه‌ای و به‌ظاهر متفاوت با انداختن نانوا در تور می‌توانند کمبودها و گرانی‌ها را با اجرای نمایش‌هایی رفع و رجوع کنند؛ نمایشی که قرار است برده دوم آن به‌زودی آغاز شود که قطعاً شعبه‌های باورنکردنی‌تر از عمق ساده‌انگاری از برخورد با معضلات و مسائل اقتصادی را به نمایش خواهد گذاشت! (ظاهراً سهمیه‌های ثابت آرد نانوايي‌ها حذف و متناسب با عملکردشان به آنان آرد داده خواهد شد و... اما این عملکرد چگونه محاسبه می‌شود و شیر این رانت در دست کیست؟! و سواي کميّت، کیفیت را چگونه کنترل خواهند کرد؟! و کار کنترل در طول زنجیره تا کجا ادامه خواهد یافت؟! و با چه هزینه‌ای؟ کدام نیروی وسیع بازرسی؟! و...) البته این نگاه و روش حل مسائل اقتصادی مختص نان و نانوايي‌ها نیست، از ثبت‌نام ۹ میلیون نفر برای شرکت در لاتاری واکناری ۲۰ هزار خودرو به سبب فاصله زیاد قیمت دولتی و بازار تا فروتنی‌زمین در شهر تاریخی اصفهان به سبب کاشت محصولات به‌شدت آب‌پر هلو و گردو و... در بالادست زاینده‌رود به سبب کم‌آرزش بودن قیمت آب و اجرای طرح بس پرهزینه (مالي - محیط‌زیستی) انتقال آب خلیج فارس به همین اصفهان و کرمان و یزد و... نمونه‌هایی از واقعی نبودن قیمت‌ها و جایگزینی دولت به جای بازار و نادیده‌گرفتن علم اقتصاد است. نمونه تاریخی چنین رفتار غلط اقتصادی را می‌توان در برنامه «جهش بزرگ به جلو» مانو در چین مشاهده کرد. برنامه‌ای که قرار بود چین را از هر طریق به‌سرعت به کشوری صنعتی تبدیل کند، حتی با کشتار گنجشک‌ها (مانو معتقد بود گنجشک‌ها عامل نابودی غلات هستند و باید نابود شوند؛ اما او نمی‌دانست این موجودات، ملخ‌ها را نیز می‌خورند. او وقتی به این حقیقت پی برد که ملخ‌ها به مزارع حمله و غلات را نابود کردند، گفته می‌شود چین در سال‌های بعد مجبور به واردات گنجشک زنده از شوروی شد). نتیجه این برنامه اما جز تولید آهن و فولاد بی‌کیفیت و البته مرگ ۴۰ میلیون انسان چینی از فرط گرسنگی و فقر چیز دیگری نبود.

ادامه در صفحه ۵

سالنامه ۱۴۰۲ عصر حرکت



این گزارش را در صفحه ۹ بخوانید



موسسه فرهنگی هنری جام سبز

برای پیش خرید کتاب سررسید شرق و درج آگهی، با ما تماس بگیرید:

۰۲۴۷ ۸۸۸۸۰ - ۰۱۷۳ ۸۸۸۸۸۰ (۰۲۱)